

نعمت الله ذكائی بیضائی

۱۹۸۶-۱۹۰۴

## احوال و آثار نعمت الله ذکائی بیضائی

ع. صادقیان

### الف - زندگی نامه

نعمت الله بیضائی متخلص به "ذکائی" در سال ۱۲۸۳ شمسی در شهرک آران (نه کیلومتری شمال کاشان) در خانواده‌ای مسلمان و اهل شعر و ادب چشم به جهان گشود. پدرش ملا محمد رضا متخلص به "ابن الزّوح" و مادرش طیّبة النّساء نام داشت. جدّش روح الامین نیز اهل شعر و ادب بود و در کسوت روحانیون می‌زیست. بیضائی شش ساله بود که پدر را از دست داد. از آن پس با توجّهات مادر و بزرگ‌ترین برادرش علی محمد ادیب بیضائی<sup>۱</sup> به نشو و نما پرداخت. بیضائی در شش سالگی در مدرسه بهائی «معرفت» آران که به وسیله میرزا محمد رضا فلاح تأسیس شده بود به تحصیل مشغول شد و پس از طیّ دوره ابتدائی به کاشان رفت و نزد ملا آقا حسین دربندی به تحصیل فقه اسلامی و مقدّمات عربی مشغول شد. در سال ۱۳۰۰ شمسی که ۱۷ سال داشت در مدرسه «معرفت» آران به سمت نظامت و معلّمی به کار مشغول شد.

در همین سال بود که به هدایت برادر بزرگ‌ترش ادیب بیضائی که خود به تازگی به امر بهائی مؤمن شده بود به دیانت بهائی اقبال کرد.

بیضائی پانزده سال داشت که بنا به ذوق و علاقه ذاتی به سرودن شعر پرداخت.

خدمت بیضائی در مدرسه بهائی «معرفت» آران ۶ سال ادامه داشت. در سال ۱۳۰۶ شمسی برای ادامه تحصیل راهی طهران شد. در این شهر ابتدا مدتی کوتاه در مدرسه ملی «اتحادیه» به تدریس پرداخت. سپس در شهریور ۱۳۰۷ شمسی در مدرسه تربیت بنین به سمت معلمی استخدام شد و همزمان به تحصیل ادامه داد.

پس از سه سال تحصیل و تدریس در مدرسه عالی قضائی ثبت اسناد شرکت کرد و پس از موفقیت در امتحانات این مدرسه به استخدام اداره کل ثبت اسناد و املاک درآمد و مأموریت خدمت در ثبت اسناد بابل را یافت و در آن شهر کم‌کم با اهل ذوق و ادب حشر و نشر پیدا کرد. بیضائی به ترتیب در شهرهای بابل، اراک، کرمانشاه، کرد، قصر شیرین، سنقر کلیائی، بوشهر و شیراز مأموریت یافت و سرانجام به طهران منتقل شد. در ایامی که در سنقر کلیائی به خدمت مشغول بود به طهران رفت و با دوشیزه نیره موافق از خانواده‌ای بهائی ازدواج کرد (۱۳۱۵ شمسی). از این پیوند چهار فرزند به وجود آمدند که به ترتیب: بهین، بهرام، ابوالفضل و بدیع‌الله نام دارند.

بیضائی پس از سی و دو سال خدمت دولت در سال ۱۳۴۳ شمسی بازنشسته شد و بقیه سال‌های عمر را به مطالعه و تحقیق و فعالیت‌های امری و ادبی پرداخت. در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۵ شمسی در سن هشتاد و دو سالگی در طهران به ملکوت ابهی صعود کرد. بیت العدل اعظم در مرقومه مورخه ۳۰ اکتبر ۱۹۸۶ خطاب به آقای کمال رثوفی، دوستی که خبر صعود را به عرض معهد اعلی رسانده بود، خدمات وی را چنین ستودند:

«... خیر صعود ادیب و شاعر گرانمایه جناب نعمت‌الله ذکائی بیضائی در ایران موجب تأثر و تأسّف معهد اعلی گردید. مقرر فرمودند اطمینان داده شود که در بقاع مقدسه مؤره جهت علو درجات آن روح پاک در ملکوت ابهی دعا و مناجات نمایند و از ساحت قدس الهی بازماندگان آن متعارج به ملکوت اعلی را تسلی و سکون مسئلت فرمایند. با تقدیم تحیات - از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم.»

به جز جلسات تذکر بهائی که در طهران به یاد ایشان برپا شد، در جلسه یادبودی که در طهران به همت فرزندش بهرام تشکیل شد عده کثیری از شعراء و ادبای پایتخت شرکت کردند و به تجلیل مقام و منزلت ادبی وی در جامعه ادبی ایران زبان گشودند.

ذکائی بیضائی در اسفند ماه ۱۳۴۷ شمسی به همراه همسر خود به زیارت اعتبار مقدسه علیا در مرکز جهانی بهائی نائل شد و نیز علاوه بر سیر و سفرهایی که به نقاط مختلف ایران چه به خاطر مأموریت اداری و چه برای تحقیق در احوال و آثار شعرای بهائی می‌کرد، یک بار به امریکا رفت و در کنفرانس قاره‌ای سنت لوئیس شرکت کرد. یک بار هم به همراه یک هیأت فرهنگی سفری به ترکیه انجام داد.

بیضائی بنا به نوشته خود از سنین نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. استاد وی در فنون شعر و ادب بزرگ‌ترین برادرش ادیب بیضائی شاعر نامدار بهائی بود که در کاشان می‌زیست. بیضائی در

ایامی که در آران به تدریس مشغول بود هر هفته شب جمعه پیاده به کاشان نزد برادر خود می‌رفت و مشکلات خود را در زمینه مسائل مربوط به شعر و ادب نزد وی حل می‌کرد و هم نزد او به تکمیل معارف بهائی می‌پرداخت.

## ب - فعالیت‌های ادبی

بیضائی از اوان سکونت در طهران به انجمن‌های ادبی معروف آن زمان که محل تمرکز شعراء و ادبای نامدار ایران بود راه یافت و ضمن حشر و نشر با آنان، اشعاری را که می‌سرود عرضه می‌کرد و از خرمن فضائل اساتید و شعرای معروفی چون ملک الشعراء بهار، وحید دستگردی، شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر و دیگر شعرای بنام خوشه‌ها می‌چید. این انجمن‌های ادبی عبارت بودند از:

۱- انجمن ادبی ایران به ریاست شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر.

۲- انجمن ادبی حکیم نظامی به ریاست وحید دستگردی.

۳- انجمن ادبی فرهنگ به مدیریت مرتضی خان فرهنگ (ترجمان الملک).

۴- انجمن ادبی دانشوران به ریاست عادل خلعت‌بری.

۵- انجمن ادبی فرهنگستان ایران به ریاست ملک الشعراء بهار.

بیضائی از سال ۱۳۲۲ که برای همیشه به طهران منتقل شد در خانه خود به تأسیس انجمن ادبی طهران اقدام کرد. این انجمن سال‌ها به طور هفتگی در منزلش دائر بود و جمعی از شعراء و ادبای بهائی و غیربهائی در آن شرکت می‌کردند.

بیضائی در زبان عربی و فنون شعری از قبیل بدیع و عروض و قافیه از اساتید مسلم به شمار می‌رفت. تألیف و نشر کتبی چون نقد الشعر و فرهنگ لغات متشابهه دلیل روشنی بر این مسأله است. نظر بیضائی برای اهل شعر و ادب همیشه حجت بود. مقالات و اشعار وی در مجلات امری آهنگ بدیع و ترانه امید و مجلات غیرامری به چاپ می‌رسید.

## ج - خدمات امری

بیضائی علاوه بر تأسیس و اداره انجمن ادبی طهران، با اجازه محفل روحانی طهران و با شرکت چند تن از شعرای بهائی به تشکیل انجمن ادبی امری اقدام کرد. جلسات این انجمن معمولاً در باغ تژه منعقد می‌شد. به جز جلسات عادی، این انجمن مسامره‌هایی به یاد شعرای بزرگ ایران از قبیل طاهره (در قزوین)، نعیم و ورقاء برگزار کرد.

در سال‌هایی که بیضائی در شهرهای مختلف ایران به خاطر مأموریت اداری اقامت داشت، در کلاس‌های تزیید معلومات به تدریس آثار مبارکه به فارسی و عربی اشتغال می‌ورزید و در هر شهر با شعراء و ادبای بهائی ارتباط پیدا می‌کرد و جلسات ادبی امری تشکیل می‌داد. همچنین در طهران و ولایات در لجان مختلفه محلی و ملی سال‌ها به خدمت قائم بود و مخصوصاً در خدمات تبلیغی و اداره بیوت تبلیغی موفق بود و هر ساله در انجمن شور مبلغین شرکت فعال داشت.

## د - آثار

آثار بیضائی عمدتاً در اطراف فنون شعری و آثار و احوال شعراء دور می‌زند که اجمالاً می‌توان آنها را به شرح ذیل نام برد:

۱- تذکره شعرای قرن اول بهائی (۶ جلد) که در سطور بعدی در باره آن سخن خواهیم گفت.  
۲- تذکره خوان نعمت (جلد اول) شامل شرح حال و نمونه اشعار ۸۶ تن از شعرای معاصر طهران و ولایات.<sup>۲</sup>

۳- مجموعه ید بیضاء (بخشی از دیوان ذکائی بیضائی) شامل حدود ۲۰۰۰ بیت از اشعار غیرامری ذکائی بیضائی.<sup>۳</sup>

۴- فرهنگ لغات متشابهه، شامل بخشی از لغات عربی که از نظر تلفظ و املاء مشابه ولی از نظر معنی متفاوتند.<sup>۴</sup>

۵- شرح احوال و آثار ادیب العلماء طالقانی، شامل احوال و آثار جناب ادیب طالقانی که از فضایی عصر و ایادی امرالله در دوره میثاق بودند.<sup>۵</sup>

۶- نقد الشعر، آخرین اثر بیضائی شامل فنون شعری در ۴ فصل (انواع شعر، علم قافیه، علم بدیع، علم عروض).<sup>۶</sup>

۷- "زبان رائج آوائی"، کنفرانس در دو مین کنگره تحقیقات ایرانی.<sup>۷</sup>

کتب دیگری که به کوشش وی چاپ شده بدین شرح اند:

۱- خواب‌نامه ادیب بیضائی؛ ۲- طلیعة ادب، مجموعه اشعار علی محمد ادیب بیضائی؛ ۳- استدلالیة آخوند و سقا اثر ادیب بیضائی؛ ۴- طلیعة آثار انجمن ادبی طهران؛ ۵- اندرزنامه ادیب بیضائی.  
ذکائی بیضائی آثاری چاپ نشده از خود باقی گذاشته که امید است به همت فرزندانیش به چاپ برسند.

## ه - اشعار

ذکائی بیضائی شاعری باذوق، مطلع و توانا بود. با ادباء و شعرای بزرگی چون ملک الشعراء بهار، وحید دستگردی، شیخ الزینیس افسر و دیگران حشر و نشر طولانی داشت و نیز با شعرای معروف بهائی مانند عزیزالله مصباح، دکتر یونس افروخته، نعمت‌الله ورتا، غلام رضا روحانی، دکتر امین‌الله مصباح و دیگران مصاحبت و مؤانست داشت. این تماس‌های درازمدت و با استعداد و قریحه ذاتی که داشت وی را شاعری مسلط و توانا در قالب‌های عروضی معرفی می‌کرد. به همین علت در میان اشعار بیضائی قصائد و غزلیات و قطعات دل‌انگیز بسیار می‌توان یافت.

مشکل می‌توان ذکائی بیضائی را هم‌سنگ شعرای طراز اول بهائی مانند ورقاء، نعیم و عندلیب به شمار آورد. اما می‌توان وی را از زمره شعرای خوب بهائی دانست.

بیضائی در سرودن قصیده تسلط وافری داشته که از جمله باید به قصیده‌ای به مطلع «زلف است یا که توده‌ای از مشک و عنبر است...» و نیز قصیده شیوای دیگری به نام «شعر و سخن» اشاره کرد. از

غزلیات وی از جمله غزل‌های زیبای «عالم انوار» و «آفتاب عشق» را می‌توان نام برد.<sup>۸</sup> بیضائی به نوشته خود در حدود ۶۰۰۰ بیت شعر در قالب‌های مختلف عروضی سروده: «من در شعر و شاعری در صدد به وجود آوردن آثار زیاد نبوده و نیستم و بیشتر از وقت‌های به دست آمده صرف تهیه آثار و تألیفات مذکوره شده است. مع ذلک تا این تاریخ [۱۳۵۷ شمسی] در حدود شش هزار بیت شعر دارم...»<sup>۹</sup>

ذکائی بیضائی در اوائل انقلاب مسدس زیبایی در ۱۸ بند با عنوان «سلام بر شهداء» سروده که نام برخی از شهدای اخیر در آن آمده است. دو بند آغازین این مسدس ذیلاً نقل می‌شود:

ای عاشقان دلبر معبود السلام ای قاصدان کعبه مقصود السلام  
 ای در دو کون مقبل و مسعود السلام ای زیدگان مظهر موجود السلام  
 کینونت و روان و دل و جان فدایتان  
 بخشد جزای هرچه فزون‌تر خدایتان  
 آوه که روزگار شما را به غم سپرد خصم دغل به مقصد و منظور ره نبرد  
 تا نشنود ندائی، نای شما فشرده خود عاقبت به کنج غم و درد و رنج مرد  
 اما شما به عالم امکان علم شدید  
 جان باختید و در دو جهان محترم شدید

با نگاهی کلی به مضامین اشعار ذکائی بیضائی می‌توان گفت وی بیشتر اشعار خود را در زمینه عرفان عاشقانه که شدیداً از تعالیم بهائی متأثرند سروده است.

### و - نگاهی به تذکره شعرای قرن اول بهائی

کار اساسی و ماندنی ذکائی بیضائی را تألیف شش جلدی تذکره شعرای قرن اول بهائی باید دانست<sup>۱۰</sup> که شامل شرح حال و اشعار شعرای بهائی قرن اول است و می‌توان آن را اثری یگانه خواند. بی‌گمان خدمتی که بیضائی با تألیف این اثر به ادب بهائی کرده بی‌ظنیر است. برای پی بردن به ارزش کار او ابتداء باید شرایط کار وی را در نظر گرفت.

وی نخستین قدم را در سال ۱۳۱۱ شمسی یعنی ۶۵ سال پیش برداشت و به فکر جمع‌آوری احوال و اشعار شعرای بهائی قرن اول که غالباً در گمنامی زیسته و بی‌نام و نشان از این عالم رفته بودند افتاد. در آن زمان وسیله ارتباط بین شهرها و قراء و قصبات ایران کم و مشکل بود؛ وسائل ارتباطی امروز یا وجود نداشت یا بسیار کم بود.

بیضائی متجاوز از پنجاه سال عمر و نیروی جوانی و دانش ادبی خود را با شوق و ذوق و ابتکار در راه جمع‌آوری و تدوین و تألیف این اثر گرانبقدر صرف کرد. رنج سفرهای طولانی دشوار به نقاط مختلفه ایران را به خود هموار نمود، با بازماندگان و منسوبان بهائی و غیربهائی شعرای درگذشته بهائی ملاقات‌ها کرد و به تحقیق و تجسس پرداخت تا توانست مواد این شش جلد را فراهم آورد.

مصائبی که در قرن اول بهائی از قبیل قتل و غارت و زندان بر جامعه بهائی ایران رفت احتیاج به تکرار ندارد. اشعار شعرای بهائی در جریان همین طوفانها و آوارگیها و بی‌خانمانی‌های اجباء از بین رفت و همین مقدار هم که بیضائی موفق به جمع‌آوری و تدوین و نشر آنها شده را باید غنیمت دانست.

ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی پس از نشر جلد اول این کتاب در نامه‌ای که به بیضائی نوشته‌اند این خدمت وی را چنین ستوده‌اند:

«محبوب مکرم معظم، استاد اجل، ادیب بیضائی<sup>۱۱</sup> روحی فداه - روحی لخدماتک الفداء، بالاخره چشم فانی به زیارت کتاب اشعار پس از مدت‌ها انتظار روشن گردید. از صمیم دل و جان وجود عزیزتان را تبریک می‌گویم و امیدوارم مجلدات دیگر نیز پیاپی به همین سیاق و نسق و استحکام و زیبایی زینت‌بخش محافل یاران گردد. روح قدماء و شعراء که زیر زنجیر و در تحت سلاسل نمره‌های مستانه درآوردند از عمل شما شاد است. و نسل حاضر و اجیال مستقبل کل ثناخوان خواهند بود. فی الحقیقه عمل شما به مانند عملی است که دیگران آرزو دارند و عملی نمی‌شود یعنی میل دارند اصوات نفوس را از فضای لایتناهی جمع نمایند. شما بحمدالله موفق و مفتخر شدید این اصوات دلاورانی را که در ظلام و ایام از دل برآوردند و نسیاً منسیاً بود جمع فرمودید. آفرین بر همت والای شما... مجدّد از اعماق دل و جان شما را هزاران هزار تبریک عرض می‌نمایم و با نهایت شوق منتظر بقیه کارهای شما هستیم. فانی، فیضی، شهر العلاء ۱۲۱.»

بیضائی در مورد مشکلاتی که در آغاز کار با آنها رو به رو بود چنین می‌نویسد:

«... علّتی که به سختی انجام کار می‌افزود این بود که صدمات و لطمات و قتل و غارت‌هایی که در دوره پنجاه شصت ساله اول امر متوجه دوستان الهی گردیده (و هنوز هم کمابیش ادامه دارد) مجالی برای آنها باقی نگذاشته که به حفظ مایملک خود پردازند و شاعر یا خانواده شاعری را قدرت و فرصت آن نمانده که اگر آثاری برای آنها بوده به جمع‌آوری و تدوین آن اقدام نمایند و علی‌هذا اغلب آثار پراکنده همراه با تحولات تأثرانگیز زمان قهراً از میان رفته و نابود گردیده است... با این وصف معلوم است که کار تحقیق در این مرحله با چه مشکلاتی رو به رو است. به هر تقدیر و با تمام این اوصاف نه تنها از انجام کار مایوس نگشتم بلکه چون حال را بدین منوال دیدم بیشتر به اهمّیت موضوع پی برده و ادامه و سرعت در انجام مقصود را واجب‌تر شمردم زیرا متوجه شدم که اگر باز چندی بگذرد و به این عمل اقدام نشود مختصر اطلاعات و اندک آثار پراکنده‌ای هم که شاید در این حال بتوان به دست آورد به کلی از بین می‌رود و دیگر جبران آن غیرممکن می‌گردد و لهذا باکمال علاقه و تمام اشتیاق به ادامه کار پرداختم...»<sup>۱۲</sup>

در اوائل کار روزی مطلب را با دو شاعر نامدار بهائی جنابان عزیزالله مصباح و دکتر یونس افروخته در میان می‌گذارد. هر دو با محبتی فراوان وی را به انجام این کار تشویق می‌کنند و متذکر

می‌شوند اگر زودتر به این امر اقدام نکنند همین منابعی هم که اکنون وجود دارد از بین خواهد رفت. احتیای مستنی که شرح احوال شعرای متقدم را در سینه‌هایشان حفظ کرده‌اند از این عالم خواهند رفت و اگر اوراق اشعاری باقی مانده باشد در اثر حوادث و گذشت ایام از بین خواهد رفت.

تذکره شعرای قرن اول بهائی در ۶ جلد تدوین شده که ۴ جلد آن به طریق استنسیلی از طرف مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران از سال ۱۲۱ تا ۱۲۹ بدیع به تدریج منتشر شده است. نسخه خطی جلد پنجم در ایران محفوظ است و نسخه خطی جلد ششم در مرکز جهانی حفظ شده که امید است هر دو جلد روزی به چاپ برسد.

ذکائی بیضائی در این شش جلد احوال و آثار ۱۵۰ شاعر بهائی قرن اول را ضبط کرده است که جمعاً در حدود ۱۲۰۰ صفحه می‌باشد. وی در تدوین تذکره شعراء از هیچ گونه روش علمی پیروی نکرده و از منابع مورد استفاده خود در متن نام نبرده است و هر مطلب و شرح حال یا شعری از شاعری را به دست آورده ضبط نموده و طبعاً امکان انتخاب برای او کم بوده، جز این هم راهی نداشته است.

در کتاب هیچ گونه مباحث تحلیلی و انتقادی و ارزش‌یابی از اشعار به عمل نیامده و اشتباهات نادری هم در آن راه یافته که امری اجتناب‌ناپذیر است.<sup>۱۳</sup>

با مروری بر مندرجات تذکره شعراء ملاحظه می‌شود که هیچ گونه تناسبی بین حجم شرح حال‌ها و اشعار شعراء وجود ندارد. مثلاً به ادیب بیضائی ۷۹ صفحه، به نعیم ۷۸ صفحه، به طاهره ۷۲ صفحه، به لقائی کاشانی ۵۵ صفحه اختصاص داده شده و در مقابل خموشی سنگسری، خیاطه، عارف و شیدا هر یک فقط در ۳ صفحه احوال و اشعارشان درج شده چون بیش از این مطلبی به دست مؤلف نرسیده است!

ما می‌دانیم وقتی شعرای بهائی اشعاری در ستایش مظهر امر یا مرکز میثاق می‌سروده‌اند آنها را به حضور طلعات قدسیه تقدیم می‌کرده‌اند و در جواب به صدور الواحی مفتخر می‌شده‌اند. بیضائی موفق شده تعداد معتابهی از این نوع الواح را به دست آورده ضبط کند که امتیازی بزرگ برای کتاب محسوب می‌گردد.

\* \* \*

در پایان سخن ذکر دو نکته را لازم می‌دانم:

یکی اینکه با وجود شش جلد تذکره شعرای قرن اول بهائی تحقیق و تتبع در آثار و احوال شعرای قرن اول را نباید خاتمه یافته دانست. مخصوصاً دوستانی که در ایران سکونت دارند باید دنباله این کار را بگیرند و تحقیق و تجسس را در خانواده‌های بهائی شعراء و حتی بستگان غیربهائی آنان ادامه دهند تا اطلاعاتی بیشتر از آنچه در این مجلدات آمده به دست آید و نیز احوال و آثار شعرای دیگری که نامشان در این مجلدات نیامده تحریر و تدوین گردد.

مطلب دیگر اینکه در این کتاب هیچ گونه نقد و تحلیلی از اشعار شعراء انجام نشده و این کار مهمی است که اهل تحقیق و نظر باید در آینده بدان اهتمام ورزند. جای اثر یا آثاری تحقیقی و



انتقادی به روش علمی در باره آثار شعرای بهائی فارسی‌زبان خالی است و جز کوشش‌های پراکنده تا کنون کار قابل توجهی در این زمینه انجام نشده است.<sup>۱۴</sup>

امید است در آینده محققان بهائی نقاط قوت و ضعف آثار شعرای بهائی را بازگو نمایند و اشعار آنان را به دور از تعارفات مرسوم به محک نقد و تحلیل بسپارند. امید است در آینده‌ای نه چندان دور شاهد نشر چنین تحقیقاتی باشیم.

## یادداشت‌ها

- ۱- شاعر نامدار بهائی که دیوانش به چاپ رسیده و قصیده شیوای «ایرانبه» از آثار او است.
  - ۲- نعمت‌الله ذکائی بیضائی، خوان نعمت، جلد اول، ۱۳۴۸ شمسی، انتشارات وحید.
  - ۳- نعمت‌الله ذکائی بیضائی، بد بیضاء، بخشی از دیوان ذکائی بیضائی، ۱۳۵۷ شمسی، چاپ آذرآبادگان.
  - ۴- نعمت‌الله ذکائی بیضائی، فرهنگ لغات متشابهه، ۱۳۵۹ شمسی، انتشارات وحید، طهران.
  - ۵- نعمت‌الله ذکائی بیضائی، شرح احوال و آثار ادیب العلماء طالقانی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ بدیع، طهران.
  - ۶- نعمت‌الله ذکائی بیضائی، نقد الشعر، نشریات «ما»، ۱۳۶۲ شمسی، طهران.
  - ۷- مجموعه سخنرانی‌های کنگره تحقیقات ایرانی، ۱۳۵۱ شمسی، ص ۲۴۲.
  - ۸- نمونه‌هایی از انواع اشعار بیضائی در بخش «گلبرگ‌ها»ی این مجلد به چاپ رسیده است.
  - ۹- مقدمه بد بیضاء، مرجع شماره ۳.
  - ۱۰- «تذکره نویسی» در ادبیات فارسی سابقه‌ای قدیمی دارد. نخستین تاریخ شعرای فارسی‌زبان تذکره لباب الالباب، تألیف محمد عوفی را باید نام برد. در این کتاب اسامی و نمونه اشعار ۲۹۹ تن شاعر آمده است. پس از آن می‌توان به تذکره الشعراء تألیف دولتشاه سمرقندی، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی قزوینی، لطائف اشرفی نظام‌الدین غریب (در هندوستان)، فحاحات الانس جامی، مجالس النفاوس امیر علی شیر نوائی (ترکی)، مجمع الفصحاء هدایت و مجمل فصیح خوافی اشاره کرد که در آنها کم و بیش اطلاعاتی در باره شاعران فارسی‌زبان آمده ولی منظور مؤلفان آنها تألیف تذکره شعراء و ضبط تاریخ ادبیات ایران نبوده است.
- در قرن دهم تذکره نویسی و تألیف کتبی که بعضاً در باره شعراء مطالبی آورده‌اند رو به ازدیاد نهاد. در این جا توجه اهل نظر را به کتاب گرانقدر احمد گلچین معانی به نام تاریخ تذکره‌های فارسی جلب می‌کنم. در این اثر مجموع کتاب‌هایی که در باره احوال و آثار شعرای فارسی‌زبان تألیف شده (تا سال ۱۳۵۰ شمسی) جمعاً ۵۲۹ عنوان آمده است. در قرن حاضر کتاب‌های عمده‌ای را که در باره تاریخ ادبیات ایران به فارسی تألیف و یا ترجمه شده اجمالاً می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:
- الف - تاریخ ادبیات ایران تألیف میرزا محمد حسین خان فروغی اصفهانی و ابوالحسن فروغی.
  - ب - تاریخ ادبیات ایران از قدیم‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر تألیف جلال همائی.
  - ج - سخن و سخنوران اثر بدیع‌الزمان فروزانفر.
  - د - سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی اثر ملک الشعراء بهار.
  - ه - تاریخ نظم و نثر در ایران تا پایان قرن دهم هجری تألیف سعید نفیسی.
  - و - تاریخ ادبیات ایران (کتاب درسی)، دکتر رضازاده شفق.
  - ز - تاریخ ادبی ایران تألیف ادوارد براون (۴ جلد)، ترجمان مختلف.
  - ح - شعر العجم اثر شبلی نعمانی (هندی)، ترجمه فخرداعی گیلانی.
  - ط - تاریخ ادبیات در ایران اثر دکتر ذبیح‌الله صفا.

ی - گنج سخن تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا (فشرده تاریخ ادبیات در ایران).

ک - از صبا تا نیما اثر یحیی آراین‌پور.

ل - از نیما تا بعد (جلد دوم) اثر یحیی آراین‌پور.

کتاب‌های دیگری در باره تاریخ ادبیات ایران از طرف محققان غربی نوشته شده که از جمله می‌توان آثار هرمان اته، ایتالو پیتری، پاول هورن، برنلس، آربری، باوزانی و ریپکا را نام برد که هر کدام محتاج توضیحات مفصل است.

در دهه‌های اخیر محققان ایرانی تحقیقات پرارزشی در نقد و تحلیل آثار شعرای بزرگ گذشته انجام داده‌اند که از جمله باید از بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر محمد جعفر محبوب، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، دکتر غلام حسین یوسفی، دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی نام برد.

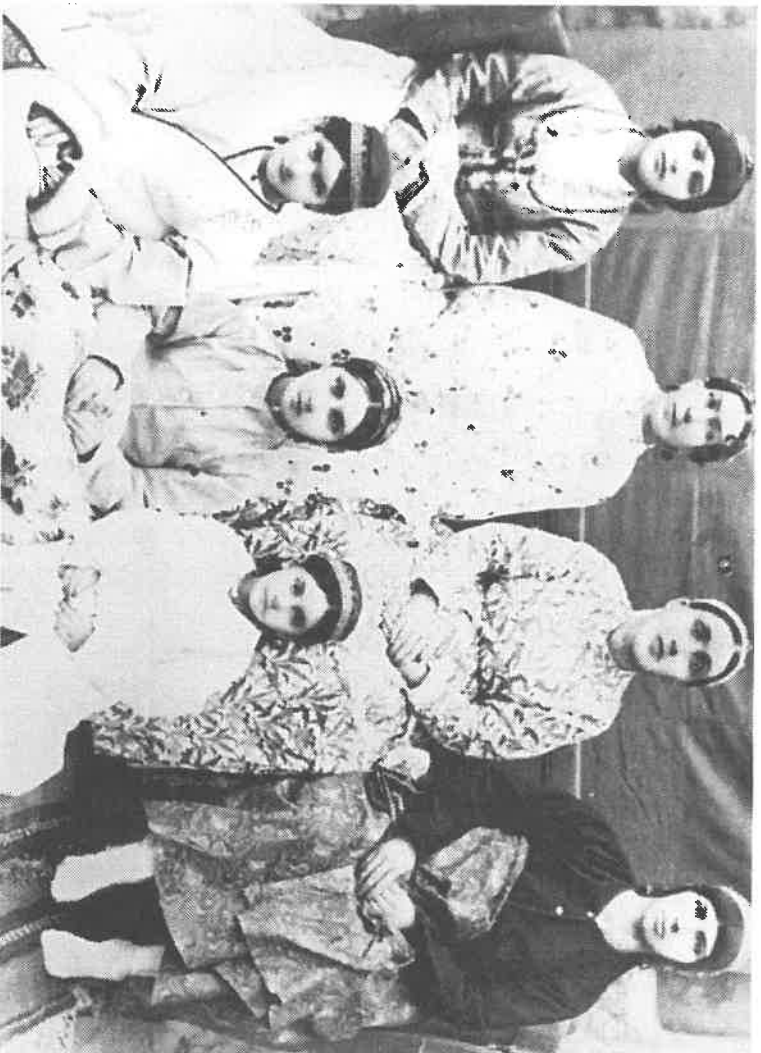
(در تهیه این قسمت، از مقاله دکتر حشمت مؤید، "تاریخ ادبیات فارسی - مروری بر سوابق و نظری به آینده این فن"، مجله ایران‌شناسی، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰ سود بسیار برده‌ام.)

۱۱- جناب فیضی اشتباهاً ایشان را به نام برادرشان "ادیب بیضائی" خطاب کرده‌اند.

۱۲- نعمت‌الله ذکائی بیضائی، تذکره شعرای قرن اول بهائی، جلد اول، صص د + ه، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع.

۱۳- از جمله اشتباه محاسبه سن استاد محمد علی سلمانی. برای تفصیل بیشتر ر.ک. ع. صادقیان، "سلمانی ستایشگر جمال اقدس ابهی"، خوشه‌هایی از خرمین ادب و هنر (۴)، ص ۹۷.

۱۴- در این مورد از جمله به مقالات ذیل می‌توان اشاره کرد: دکتر شاپور راسخ، "نگاهی به زندگانی و اشعار دکتر امین‌الله مصباح"، خوشه‌هایی از خرمین ادب و هنر (۲)، ابوالقاسم افغان، "مروری بر اشعار و رقاء"، خوشه‌ها (۵)، ابوالقاسم افغان، "مروری بر اشعار نبیل زرنندی"، خوشه‌ها (۷)، ع. صادقیان، "حیات، خدمات و آثار جناب غلام‌رضا روحانی ادیب و طنزپرداز نامدار بهائی"، خوشه‌ها (۲)، "سلمانی ستایشگر جمال اقدس ابهی"، خوشه‌ها (۴)، "یادی از جناب عباس طاهری"، پیام بهائی، شماره ۱۶۳ (ژوئن ۱۹۹۳).



اولاد اناث خاندان سمندر - حدود سال ۱۲۷۸ شمسی

ردیف بالا از چپ به راست: ساذجیه خانم، دختر نبیل، عروس جناب سمندر - معصومه خانم فرهادی، همسر جناب سمندر  
هاجر خانم فرهادی، خواهر معصومه خانم - ذکریه خانم، دختر جناب سمندر  
ردیف پایین از چپ به راست: مهریه خانم، حییه خانم، خاتون جان خانم، هر سه دختران جناب سمندر